

بدنه اجتماعی حامی قالیباف چه خاستگاهی دارد؟ این بدنه در دور دوم چه می‌کند

سرنوشت رای قالیباف



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

رای سه‌میلبونی محمد باقر قالیباف اگرچه چندان مطلوب نبود اما در تعیین صحنه‌رقابت ودور دومی شدن انتخابات نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. حضور قالیباف وکنار نکشیدن او منجر شد رای خاصش در میان دیگر نامزدها پخش نشود و مسعود پزشکیان و سعید جلیلی با فاصله یک میلبونی به مرحله دوم بروند. حالانحاصلی در کمپین‌های دو نامزد حول جذب سه‌میلبون رای قالیباف است که احتمال اینکه در دور دوم هم رای دهند، زیاد است. کنش نامزدها و کمپین‌های آنها می‌توانند تا حد زیادی سرنوشت این سه‌میلبون رای را مشخص کند.اینکه همه سه‌میلبون رای در سبد یک نامزد ریخته شود یا پخش شود و حتی به آرای باطله تبدیل شود، می‌تواند تا حد زیادی در مشخص شدن نتیجه انتخابات ۱۵ تیرماه تعیین‌کننده باشد.

خاستگاه اجتماعی ۳ میلبون رای

نامزدهای انتخاباتی نتوانستند آن طور که باید قشر خاکستری جامعه را با خود همراه کنند. پزشکیان با رای ایدئولوژیک و با اتکا به بدنه قومیتی خود توانست ۱۰ میلیون رای بیاورد. جلیلی نیز تنها توانست رای بدنه ایدئولوژیک خود را تثبیت کند. در این میان قالیباف هم موفقیت چندانی در جذب رای بدنه‌ای که در دوگانه‌های ایدئولوژیک تعریف نمی‌شدند، نداشت. او هم تنها توانست آرای بخش خاصی از جامعه را با خود همراه کند. آرای سه‌میلبونی قالیباف را باید در میانه دو نگاه غالب در انتخابات تعریف کرد که عموما هوشمندانه رای می‌دهند. این طیف در دام تندروی‌ها چه در جناح اصلاح‌طلب، چه اصولگرا نیفتادند و خوانشی میان این دو نگاه دارند. بخش زیادی از این سه‌میلبون رای را افرادی تشکیل می‌دهند که در بدنه انقلابی تعریف می‌شوند اما عموما و در نگاه به مسائل داخلی و سیاست خارجی موضعی میانه دارند که نه در نگاه لیبرالی اصلاح‌طلبانه می‌گنجد و نه در خوانش‌های تندروانه‌ای از این موضوعات توسط طیفی که در جناح اصولگرایی قرار دارد، جای می‌گیرد. رای سه‌میلبونی قالیباف را می‌شود بیرون از نگاه جناحی و گروهی دانست؛ آنها فارغ از دسته‌بندی‌ها و حمایت‌های گروه‌های سیاسی با نگاه به ایده و برنامه رای دادند. درحالی‌که رای بدنه ایدئولوژیک از ابتدا و بدون نگاه به نامزد، برنامه‌ها و ایده‌های او مشخص است و قرار داشتن آن نامزد در چهارچوب تفکرات ایدئولوژیک برای او کفایت می‌کند. رای سه‌میلبونی قالیباف در این تقسیم‌بندی قرار نمی‌گیرد. بخش زیادی از این آرا را بدنه دانشگاهی و نخبگی تشکیل می‌دهد که در مورد مسائل مختلف نگاه منطقی تری دارند و نقطه نظرات آنها در مورد مسائل فرهنگی و سیاسی بومی‌های علائقت و نگاه کارشناسی تعریف می‌شود. آرای سه‌میلبونی قالیباف بیش از همه ایده‌ برنام‌ه و نگاه منطقی و کارشناسی را برای رئیس‌جمهور لازم می‌داند و در این نگاه صرفا محدود به افراد از یک جناح نمی‌شود و حتی ممکن است در بعضی از انتخابات‌ها به فردی که در تقسیم‌بندی‌های اصلاح‌طلبی تعریف می‌شود هم رای دهد. این طیف مشخصا برخی از افرادی را که در جناح



اصولگرایی مواضعی تند و رادیکال در مورد سیاستگذاری در نظام حکمرانی دارند، نقد می‌کند و اغلب آنها را از دایره انتخاب در رقابت‌های انتخاباتی حذف کرده است. جلوگیری از تقویت شکاف‌های اجتماعی مساله اصلی برخی از بدنه‌ای است که رای سه‌میلبونی قالیباف را تشکیل می‌دهند. آرای سه‌میلبونی قالیباف را بدنه‌ای تشکیل می‌دهد که عموما نگاه مدرن‌تری در مواجهه با مسائل و چالش‌های موجود در جامعه دارد و در قالب نگاه‌های لیبرال اصلاح‌طلبی و سیاست‌های چپگرایانه اصولگرایی محدود نمی‌ماند.

۳ میلیون رای قالیباف

در سبد کدام نامزد ریخته می‌شود؟

با نگاه به این ویژگی‌ها و چالش‌ها و سوال اصلی در انتخابات ۱۵ تیرماه این است که آیا تمام این سه‌میلبون رای قابلیت ریخته شدن در سبد یک نامزد را دارند یا اساسا شناس کدام یک از نامزدها برای جذب این رای بیشتر است؟ از آنجا که بخش زیادی از این رای از بدنه انقلابی جامعه است که در جناح اصولگرایی هم تعریف می‌شوند، شناس سعید جلیلی برای جذب رای این بدنه بیشتر است اما برخی رویدادها و کنش‌ها می‌تواند جذب این رای را سخت‌تر کند. درمورد سرنوشت سه‌میلبون رای قالیباف می‌توان سه فرض را مطرح کرد:۱- از آنجا که بخشی از این بدنه منتقد جدی برخی کنش‌ها و نظرات تیمی هستند که در خط مقدم دفاع از سعید جلیلی قرار دارد، ممکن است علی‌رغم پیام حمایت قالیباف از جلیلی حاضر به رای دادن به او نشوند؛ شکافی که درون اصولگرایی در انتخابات آسفتند تقویت شد و تا آخرین دقیق انتخابات تیرماه ادامه پیدا

امیر خراسانی: ممکن است بخشی از رای قالیباف در دور دوم سفید باشد

دست بود. بنابراین رای مردم محدود است و خیلی عمومی نیست. این ترکیب، بیشترین رای قالیباف بود.»

حامیان قالیباف به دنبال مدیران قوی بودند

خراسانی با بیان اینکه بدنه‌ای قالیباف نگاهش نسبت به مسائل فرهنگی و سیاسی مثل بدنه‌ای که به جلیلی رای دادند نزدیک نیست ادامه داد: «این بدنه‌ای حتی ممکن است به اصلاح‌طلبان نزدیک باشد؛ چراکه بدنه‌رای جلیلی سه یا چهار بخش است. یک بخش آن اسلامگراها به معنای مشخص کلمه هستند. در قم و به‌طور کلی کسانی که در ادبیات فرهنگ سیاسی ما اسلامگرا محسوب می‌شوند به‌یاشان رای دادند. نه به معنای کسانی که معتقد به جمهوری اسلامی هستند. بالاخره احکام اسلامی باید در جامعه اجرا شود. بنابراین از حکیم و خیراندیش تا مومن‌نسب و آدم‌های ایتا در آن هستند. بخش دیگر رای ایشان حامیان حجاب اجباری و از این دست هستند. همچنین نیروهای معترض حزب‌اللهی بخش دیگر رای جلیلی هستند. نیروهایی که به وضعیت موجود معترضند و می‌خواهند فیکو ری بیاورند که با یک عمل انقلابی دولت را مدیریت کند. اینها عموما نیروهای زیر ۴۰ سال حزب‌اللهی هستند. یعنی بسیجی‌ها و رده‌های پایین سپاه و در کل از بدنه پایین جمهوری اسلامی هستند. بخش دیگر رای جلیلی به واسطه نیروهای اجتماعی است که همین نیروهای پایین برایشان مسرر کرده. همین نیروهای پایین بچه‌های بسیج بودند و با کارگرهای کارخانه در ارتباطند. بنابراین آن رای را به سمت بدنه رای جلیلی هدایت کردند.» مثلا آنها به‌وسیله فعالیت‌های گسترده رای روستاییان را به

سمت بدنه رای جلیلی هدایت کردند. با میانجی‌گری این افراد، رای بخشی از طبقات پایین هم به جلیلی هدایت شدند. در نتیجه عمده رای جلیلی این بخش هاست. نکته این است که جلیلی اساسا گفتمان ضد تک‌تک‌تک‌تک دارد. یعنی باتک‌تک‌راسی خیلی میانه‌ای ندارد. ولی حامیان قالیباف به دنبال مدیران قوی بودند. یعنی نگاه‌شان به ایشان این بود که یک مدیر قوی که زور سیاسی دارد و حمایت بدنه نظام را دارد و به لحاظ فرهنگی گشوده‌تر است. یعنی درگیر مساله فیلترینگ و حجاب نیست و آن بخش تند جمهوری اسلامی را می‌تواند مهار کند. در نتیجه اینها اساسا با یک‌دیگر ناسازگارند. تنها دلیلی که قالیباف به سمت جلیلی رفت و حامیانش را هم تشویق به آن می‌کند که به‌نظر من چندان موفق هم نبوده، این است که قالیباف فکر می‌کند بهتر می‌تواند با جلیلی سازش کند.»

بخشی از رای قالیباف در دور دوم به سبد رای سفید ریخته می‌شود

این جامعه‌شناس با بیان اینکه بخشی از بدنه رای قالیباف را پزشکیان جذب می‌کند گفت: «بخشی از آرای قالیباف، رای سفید دور دوم هستند. یعنی نه‌تنها بخشی از آن به سبد پزشکیان می‌ریزد بلکه بخشی از آنها رای سفید می‌دهند و شاید هم رای ندهند. چراکه زاویه برخی از این افراد با جلیلی چندان کم نیست. وقتی نیروهای تکنوکرات اصولگرا کار می‌کردند اصلاح‌طلبان جرئت نداشتند برای آنها مانع‌تراشی کنند. ولی میان نیروهای جوان‌تر انقلابی با آنها زاویه‌هایی وجود دارد و با توجه به آن باید انتخاب کنند. یعنی یک نیروی منفی در این میان وجود دارد.»

درمورد سرنوشت نهایی سه‌میلبون رای را می‌توان به یکی، دو روز پایانی منتهی به انتخابات موکول کرد. در حال حاضر می‌توان بخش زیادی از سه‌میلبون رای را نه مختص یکی از نامزدها، بلکه مردهایی دانست که هنوز در حال رصد فضا و کنش‌های نامزدها هستند. به‌نظر می‌رسد دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم، راهم مردهاتعیین تکلیف خواهند کرد و اگر سبد رای آنها میان دو نامزد تقسیم نشود و در سبد آرای باطله ریخته نشود هم می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج انتخابات داشته باشد.

رقابت‌های رادیکال ضد تبلیغ کمپین‌های ۲ نامزد

کمپین‌ها و نامزدهای انتخاباتی مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند به تصمیم این سه‌میلبون رای جهت دهند. در این صحنه رقابت برخلاف آنچه تصور می‌شود دوگانه‌سازی مثل آنچه از کمپین پزشکیان دیده می‌شود و رقیب را «طالبان تعریف می‌کند و در سمت مقابل نیز ساختن دوگانه «رای حلال و حرام و او «جناح کفر» می‌تواند به ضد خودش تبدیل شود. در این بین با توجه به اینکه دور از انتظار است که بدنه خاموش جامعه‌باکنش اصلاح‌طلبان‌های صندوق‌های رای بیایند و به پزشکیان رای دهند، پزشکیان چاره‌ای ندارد که رای خود را از بدنه اصولگرایی جذب کند و از طرفی با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و برخی نظرات او این کاربریش راحت‌تر از جذب آرای رادیکال اصلاح‌طلبان است. در این میان اما دوگانه‌سازی‌ها و رقابت‌سازی‌های کمپین‌ها اشکالات واضحی داشته‌که حتی می‌تواند بخش زیادی از سبد رای او را ببرد. رقابت با جلیلی با ساخت این کلیدواژه که اگر به رقیب رای دهید «طالبان» روی کار خواهد آمد، اثر منفی در نگاه بدنه اصولگرایی دارد. رادیکال کردن فضا به این شکل منجر می‌شود رای سبلی بدنه اصولگرایی به سمت جلیلی حرکت کند. در سمت مقابل هم کمپین انتخاباتی جلیلی کار سختی درپیش دارد؛ بخشی از طرفداران این نامزد در دوگانه رقابت قالیباف، جلیلی بد اخلاقی‌هایی داشتند و کنش‌هایی از خود نشان دادند که منجر به ایجاد شکاف میان طرفداران این دو نامزد شد. بر همین اساس تلاش برای یکی کردن رای و ریختن آن در سبد رای سعید جلیلی امر چندان راحتی نیست. علاوه بر این اظهارات تند و رادیکال طیف اصولگرایی هم می‌تواند به ضد تبلیغ این جریان تبدیل شود و بخشی از سبد رای این جریان را به سمت پزشکیان سوق دهد. بر این اساس اگر کمپین نامزدها به دنبال جذب رای سه‌میلبونی قالیباف هستند، رادیکال کردن فضا در دوگانه حق و باطل سازی‌ها یا تندرو خواندن رقبای می‌تواند نتیجه عکس بدهد. مسیری که کمپین‌های انتخاباتی در نامزد تاالان طی کرده‌اند نمی‌توان در جذب این سه‌میلبون چندان موفق دانست. آنچه در این فضا می‌تواند برای هر دو نامزد کار کند، جذب رای سلبی آنهاست. جلوگیری از دولت‌سوم روحانی یا جلوگیری از تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌تواند دوگانه‌هایی باشد که بخشی از این رای را به سمت دیگری سوق دهد. جدای از این دوگانه آسیب دیگری متوجه جذب رای این جریان می‌شود، اگر هیچ کدام از نامزدها نتوانند در عرصه رقابت رای این بخش را جذب کنند، سه‌میلبون رای یا به سبد آرای باطله اضافه خواهند کرد یا به سمت عدم مشارکت حرکت خواهند کرد؛ امری که به‌نظر می‌رسد نامزدها باید در وهله اول آن را حاصل قرار دهند و تا تبدیل این آرایه باطله یا حذف جلوگیری کنند.

پزشکیان بخشی از رای خود را از سبد شهید رئیسی گرفت

خراسانی با اشاره به ترکیب رای پزشکیان گفت: «این ترکیب رای هم جالب است. ایشان بخشی از رای خود را از بدنه رای آقای رئیسی گرفته و از این جهت جالب است که اصلاح‌طلبان نتوانستند طبقه متوسط را جذب کنند و این طبقه همچنان ترجیح می‌دهد رای ندهد و دروا اول مشارکت نکرد. اتفاقا ایشان هم از مناطق پایین‌شهر توانست رای بگیرد و به دلیل فیکور و نقش و تیپ پنجاه‌وهفتی که دارد توانست بخش معناداری از رای طبقات پایین را جذب کرد. عددها این را نشان می‌دهد. از این جهت باید دید در ادامه چه اتفاقی خواهد افتاد. من فکر می‌کنم رای پزشکیان دو بخش دارد. رای سازمانی اصلاح‌طلبان که تقریبا ۱،۵ تا دو برابر رای همتی است. چون در دوره قبل بخش مهمی از رای سازمانی اصلاح‌طلبان سمت بدنه رای همتی رفت و این بار به سمت پزشکیان رفت. خاتمی و ظرفی در نهایت نتوانستند بدنه سیاسی اصلاح‌طلبان را جذب کنند. سایر رای خود را از سبد آقای رئیسی گرفت. الان رای پزشکیان نسبتا تثبیت‌شده است. بعد از درواول رای ندادن یک آکسیم سیاسی شد. یعنی می‌گویند اگر بتوانیم کسانی که رای ندادند را به میدان بیاوریم، اتفاق بزرگی می‌افتد. پزشکیان کار بسیار سختی دارد تا از طبقه متوسط رای بگیرد. آن ایستایی بالا رفته و به این سادگی رای نمی‌دهد. زمان هم بسیار محدود است و تنها بخشی که می‌تواند داشته باشد این است که رای خیلی بالایی برای پیروز شدن در انتخابات نمی‌خواهد. قرار نیست ۲۰ میلیون رای بیاورد. حتی با ۴ میلیون رای دیگر شاید این شناس را داشته باشد که رئیس‌جمهور شود.»

فرهنگ‌نخبگان

روزنامه‌نگاری



سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳



شماره ۳۱۷۵



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

مادولت حداقلی هم نیستیم!



سیدجواد نقوی

خبرنگار گروه ایده حکمرانی

در فضای مجازی چرخش بزیند متوجه می‌شوید بحثی را هواداران پزشکیان در حال ترویج آن هستند که به شدت عجیب است. آنها معتقدند رای به پزشکیان قطعا ایران را کره جنوبی نمی‌کند اما حتما مانع از کره شمالی شدن ایران می‌شود. این بحث در نوع خود عجیب‌ترین بحثی است که هواداران یک رئیس‌جمهور می‌توانند آن را نشسر دهند. به نوعی می‌توان بیان کرد یک طرح‌واره تمام‌جهوری و خیالی بالایی سرس‌این بحث قرار دارد که به مراتب از هر ایده بنیادگرایانه‌ای خطرناک‌تر است، اما چرا؟

مطح‌کنندگان این بحث تمام تلاش خود را انجام می‌دهند پزشکیان در دور دوم بتواند رای بدنه اجتماعی که از دست داده است را جمع کند و هیچ راهی به جز طرح چنین بحث‌هایی که درون‌مایه آن ترس و اضطراب از رقیب و آینده است، وجود ندارد. اما این بحث را نباید ساده قلمداد کرد، تصویری که در این متن در حال ترویج نهفته است به شدت ترسناک‌تر از کاندیدای رقیب است. تصور متن این است که کشور کره جنوبی مکانی است که زندگی توسعه‌یافته در جریان است و در مقابل کره‌شمالی یک کشور دیکتاتوری است، اما درواقع آمارهای کشوری مثل کره جنوبی در این سال‌ها به وضوح نشان می‌دهد بحران بیکاری و مهاجرت و نابرابری چه مقدار رو به افزایش بوده و کره جنوبی در بین کشورهای افسرده جهان و باآمار بالای خودکشی

عجیب‌تر اینکه در هنگامی که تمام دنیا از ورود به نظم جدید و کنشگران نظم جدید در جهان چندقطبی صحبت می‌کنند؛ در ایران روشنفکری و آکادمیسین و اصلاح‌طلب‌ها که خود را همیشه متصل به امر جهانی می‌دانستند با ایده بی‌دولتی و حداقلی قصد دارند به قدرت برسند و تمام منش و رفتارشان بر پیش‌فرض‌های حداقلی و بی‌معنی بنا شده است. این مسیر قطعا از طالبانی شدن ایران هم بدتر است؛ چراکه اساسا دیگر دولت در مقام پاسخگویی نیست و صرفا برای آن بنا شده است که از لحظه شروع عدم رای گفتمان رو به‌رواست و اصلاح‌رایشان آینده ایران و پیروژه توسعه آن، باید متوجه شد اصلا پزشکیان و تیم او قصد دارند دولت داری کنند؛ دولت داری که مرکز اصلی و پیشران طرح توسعه و پیشرفت در هر کشوری است. چهار سال زمان مطلوبی برای تحولات ساختاری است. ولی ظاهرا ایده‌ای که در حال ترویج است بی‌دولتی تمام و حتی تشکر از وضعیت بی‌دولتی است؛ چراکه شرایط بی‌دولتی در این گفتار بهتر از حضور دولت یا هر نوع دولتی است، در تصرف دولت با ایده بی‌دولتی پزشکیان یک خطر بزرگ بالایی سرکشور است؛ چراکه پیش‌فرض ایده دولت‌داری پزشکیان فقط عدم رای گفتمان رو به‌رواست و اصلاح‌رایشان آینده ایران و پیروژه توسعه در ایران اهبتی ندارد. صرفا در چهار سال باید از فرمی تشکر کرد که اصلا بنا ندارد کاری کند و صرف حضورش ابرازیان باید از آن استقبال کند. خلاصه گفتار فعلی هواداران و تیم رسانه‌ای پزشکیان این خواهد بود: ما اصلا دولت نیستیم حتی حداقلی آن.

۷